



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۳۰

فیصل محمد

پاکستان - افغانستان و حربه سیاسی اسلام

بخش سوم

جمهوری اسلامی پاکستان قبل از تجاوز شوروی به افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹ در مقابل سیاست های مداخله گرایانه و غیر واقع بینانه داود خان در حمایت از داعیه پشتونستان که مورد علاقه اتحاد شوروی و کمونیست های داخلی بود از اسلامیت های فراری افغان که به علت ارتکاب جرایم جنایی در پاکستان پناه گرفته بودند منحیت گروه های نیابتی برای بی ثبات سازی افغانستان استفاده مینمودند. تجاوز شوروی و سعی این کشور برای تسلط بر بحر هند جمهوری اسلامی پاکستان را واداشت تا مطابق استراتیژی امنیتی استفاده از اسلام ابزاری را شدد بیشتر داده و با قرار دادن اسلامیت های فراری افغان در راس هفت تنظیم جهادی ایشانرا همراهی سایر نهاد های مرتبط به مکتب اخوان المسلمین و شبکه متعلق به دارالعلوم حقانیه یکجا با میلیارد ها دالر و ریال که از سوی غرب و عربستان سعودی تزریق میشد علیه (کشمر هندوستان و افغانستان تحت اشغال) بسیج نمایند در اولین سالهای تسلط اردوی سرخ بر افغانستان (ای اس ای) با تعاون و همکاری نزدیک با سازمان سیا اضافه از یکصد هزار مجاهد افغان را بعد از مردود شمردن ملی گرایی افغانی با افراطی ترین افکار مذهبی در کمپ های نظامی واقع ایالات خیر پختونخوا و بلوچستان تعلیم ؛ تسلیح و تجهیز نموده و پاکستان را به مرکز جهاد جهانی علیه کمونیسم و معمار جنگ های نیابتی مبدل ساخت. رهبران پاکستان سعی داشتند تا با انکار از مبارزه ازادی خواهی افغانها جنگ مذکور را تقابل اسلام و کفر کمونیسم معرفی بدارند در ابتدا امریکا نیز با چنین سیاست های پاکستان هم نظر بود چنانکه پرژنیسکی مشاور امنیت ملی قصر سفید حین بازدید از کمپ مهاجرین افغان در ۶ فبروری ۱۹۸۰ جنگ افغان ها را ازادی بخش نه بلکه نبرد مقدس علیه الهاد کمونیسم بیان داشت طبق همین سیاست ابزاری مشترک غرب و پاکستان از اسلام بود که جهت اشتراک در جهاد مقدس از مسلمانان سرتاسر جهان دعوت بعمل آمد و زمینه برای ورود موسسین مکتب الخدمات و القاعده مانند عبدالله عزام، اسامه بن لادن ؛ ایمن الزواهری و ابو مصعب الزرقاوی به پیشاور مساعد گردید که سپس رهبران مذکور راه را برای ورود ده ها هزار افراطی بی وطن دیگر از ممالک عربی جهت اشتراک در جهاد جهانی هموار ساخت چنانکه بین سالهای ۱۹۸۲ الی ۱۹۹۲ حدود ۳۵ هزار افراطی مسلمان از ۴۰ کشور اسلامی به داعیه جهاد علیه اردوی سرخ در افغانستان پیوستند و اضافه از ۰۰۱ هزار افراطی مسلمان خارجی به طور غیر مستقیم تحت تأثیر جهاد افغانستان قرار گرفتند.

سیاسیون سیکولر پاکستانی و سازمان استخباراتی این کشور با استفاده از حربه اسلام و حمایت از افراطیت دو هدف عمده را تعقیب میکردند اولاً جلوگیری از ظهور نشتلیزم افغانی که انرا خطر برای تمامیت ارضی خود میدانستند ثانیاً صدور جنگ مقدس تا مراکز پیمان وارسا و اتحاد شوروی که به پاکستان عمق استراتژیک و اهمیت بینالمللی میداد اما داشتن چنین اهداف بزرگ خارج از ماموریت سپرده شده از سوی غرب به پاکستان بود چنانکه یک یاد داشت طبقه بندی نشده سازمان سیا در سال ۱۹۸۷ به دولت امریکا در این رابطه اخطار میداد که حمایت پاکستان از افراطیت در چنین سطح و مقیاس ممکن است عواقب و اثرات مخرب را برای امنیت و ثبات منطقه و جهان در آینده به بار آورد چون برنامه ها و پلان های را که سازمان استخبارات پاکستان روی دست داشت برای تاسیس یک کمپ ایدئولوژیک بود که مطابق ان شرایط برای تعلیم ؛ تجهیز و تمویل صد ها گروه بی وطن افراطی مساعد ساخته میشد گروه ها و نهاد هایکه در آینده نه فقط باعث بی ثباتی منطقه و جهان شده بلکه سبب ناامن شدن خود پاکستان نیز میگردد همانطوریکه اوضاع و احوال بعد از ختم اشغال در سال ۱۹۸۹ و متعاقب ان اضمحلال امپراتوری شوروی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ

ثابت ساخت که جمهوری اسلامی پاکستان جهت مقابله با خطر کمونیزم بیشتر از آنچه غرب برایش ماموریت داده بود به وسعت و تقویت افراطیت بعنوان حربه سیاسی پرداخته چون بعد از شکست بلاک کمونیزم هنوز هم مجموعه بزرگ از کمپ های تعلیمی مجاهدین ؛ شبکه های افراطی ، خطوط انتقال سلاح و هزاران باب مدرسه مذهبی ایدئولوژیک جهت مبارزه با ان دست ناخورده باقی مانده بود و پیشبینی ها ارایه شده از سوی مراجع استخبارتی غرب مبنی بر مبدل شدن این امکانات به تهدیدات بزرگ امنیتی برای صلح و ثبات جهان بعد از توافق ژنیو و فروپاشی اتحاد شوروی به واقعیت مبدل گردید همانطوریکه ژورنالیست معروف پاکستانی احمد رشید در رابطه مینگارد (رهبران پاکستان این کشور را به سوپرمارکت بزرگ برای جهاد جهانی مبدل نمودند که کنترل و مدیریت ان دیگر ناممکن به نظر میرسید).

با انتخاب میخایل گرباچف اصلاحات وسیع در داخل شوروی و کمپ وارسا رونما گردید از جمله شروع مذاکرات ژنیو در اوایل ۱۹۸۸ جهت حل و فصل اختلافات با غرب بر سر قضیه افغانستان اما رهبران نظامی پاکستان به شمول احزاب اسلامی مقیم خیبر پختونخوا با چنین مذاکرات مخالف و در پی سبوتاژ ان بودند چون استخبارات پاکستان خواهان تبدیل نمودن افغانستان به لابراتور افراطیت و ایجاد یک کمپ اسلامیزم جهت صدور ایدئولوژی به اسیا میانه و حوزه قفقاز بود اما از انجاییکه جنگ سرد رو به اختتام بود تطبیق چنین استراتژی در تضاد با منافع غرب قرار داشت ایالات متحده امریکا بعد از انکه نتوانست پاکستان را قانع و از تطبیق چنین برنامه های مخرب منصرف سازد یک سلسله حادثات بزرگ یکی پی دیگر در این کشور به وقع پیوست که نمیشود انرا با موقف گیری های انوقت جمهوری اسلامی پاکستان بی ارتباط دانست چنانکه در ۱۰ اپریل ۱۹۸۸ انفجار قوی در بزرگترین ذخیره تسلیحاتی مجاهدین در کمپ نظامی اوجهری رولپندی رخ داد که در اثر ان ۱۰۰۰۰ هزار تن تجهیزات نظامی معادل ۳ میلیارد دالر به شمول راکت های ستنکر منهدم گردید متعاقب ان پاکستان تحت تحریم های شدید ۱۲۰ روزه ایالات متحده امریکا قرار گرفت تا بلاخره سیاسیون پاکستانی از موقف گیری متضاد با سیاست های امریکا عقب نشسته و ظاهرا با روند مذاکرات موافقت نمودند و مدتی بعد در ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ توافقنامه ژنیو در مقر سازمان ملل متحد بین افغانستان و پاکستان و دو تضمین کننده این معاهده (ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی) به امضا رسید دو قطب جهانی علاوه بر اعلان ختم جنگ ؛ بر سر توقف حمایت مالی و نظامی از طرفین داخلی جنگ (اسلامیست ها و کمونیست ها) و ایجاد یک دولت ایتلافی متشکل از هر دو جناح بر بنیاد پلان پنج فقره بی سازمان ملل نیز به توافق رسیدند.

جهان با توافق حاصله که منجر به پایان جنگ شده بود راضی به نظر میرسید اما بخش از سیستم حاکم پاکستان و احزاب اسلامی ساکن در خیبرپختونخوا هنوز هم به علت تضعیف موقعیت جیوپولیتیک این کشور در سطح بین المللی ؛ تقلیل نفوذ پاکستان در افغانستان و مصیبت های به میراث مانده از جنگ از جمله وجود گروه ها و نهادهای افراطی مسلح ؛ مراکز مواد مخدر ؛ دهلیز های ورود و خروج بدون کنترل تسلیحات و حضور چهار میلیون مهاجر افغان با اختتام جنگ و توفقات منعقد شده صلح مخالف بودند و با حربه اسلام اسلامیست های بی وطن را به تشدید جنگ و ویرانی در افغانستان تشویق مینمودند تا جایکه جنرال ضیالاحق به علت موافقه صدراعظم جونیو با توافقنامه ژنیو نامبرده را از وظیفه برکنار و در ۲۹ می ۱۹۸۸ پارلمان پاکستان را نیز منحل اعلان نمود اما مخالفت سیستم حاکم و اسلامیست ها مدت زیادی دوام نکرد چون در ۱۷ اگست ۱۹۸۸ به تعقیب حادثات قبلی این بار جنرال ضیالاحق که مانع بزرگ سر راه تطبیق توافقات و برنامه های بعدی غرب پنداشته میشد در یک سانحه هوایی کشته شد گرچه اسناد رسمی و موثق در زمینه ارتباط بین حادثات واقع شده و موقف گیری های سیاسی پاکستان به علت استخباراتی بودن و خفیه بودن موضوعات وجود ندارد اما روایت های غیر رسمی رابطه دقیق و حساب شده را بین واقعات و اتخاذ تصمیم از سوی سیاسیون انوقت پاکستانی را نشان میدهد.

توافق ژنیو ؛ خروج عساکر اشغالگر ؛ اضمحلال اتحاد شوروی باعث فروپاشی کمپ کمونیزم و سقوط اداره دست نشانده کابل گردید بالمقابل پایان جنگ سرد سبب تضعیف اهمیت جیوپولیتیک پاکستان و توقف حمایت غرب از اسلامیست ها بعنوان حربه سیاسی جهت مقابله با کمونیزم نیز گردید و با شکل گیری نظم جدید جهانی ؛ افغانستان از میدان رقابت ناتو و وارسا به میدان تقابل قدرت های رقیب منطقوی تنزل یافت و ورود جریان بزرگ از افراطیت و اسلام سیاسی به داخل افغانستان آغاز گردید اما اسلام که سالها بعنوان حربه سیاسی مورد استفاده مشترک غرب و پاکستان قرار داشت با فروپاشی شوروی بی ارزش و به درد سر بزرگ برای منطقه و جهان مبدل شد چون بعد از قطع حمایت غرب اسلامیست ها جهت بقا خویش به گروه های نیابتی ممالک مبدل شدند که در گذشته هزاران افغان مسلمان را به اتهام داشتن همکاری با این ممالک به قتل رسانیده بودند. جمعیت اسلامی بخصوص شاخه شورای نظار با برقرار روابط با هندوستان ؛ روسیه و ایران نیابت این کشور ها را در تقابل با حزب اسلامی تحت حمایت پاکستان قبول نمود جمهوری اسلامی ایران نیز با تاسیس یکعده گروه های شیعه که اصلا هیچ نقش در جنگ علیه اشغال نداشتند متقاضی سهم آنها در قدرت سیاسی گردید در نتیجه براساس منافع متضاد ممالک که تنظیم های جهادی به

نیابت از آنها قرار داشتند و طبق ماهیت ذاتی اسلامیت ها جنگ خونین داخلی شروع و از سال ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۶ ادامه یافت ده ها هزار افغان کشته ؛ صد ها هزار مجروح ؛ میلیون ها تن مهاجر و زیربنا های افغانستان به صورت مطلق نابود گردید نظم مدنی ساقط و سلطه وحشت و بربریت به جای رسید که افغانها حاضر به پذیرش هر حاکمیت غیر از اسلامیت ها گردیدند در چنین اوضاع و احوال یک گروه خود جوش مردمی در دور افتاده ترین نقطه افغانستان علیه مفسد ضد اسلامی و ضد افغانی تنظیم های جهادی شکل گرفت جمهوری اسلامی پاکستان که چندین سال از دسترسی به اهداف سیاسی خود در افغانستان به علت پیچیده شدن (جنگ قدرت) نا امید شده بود و فکر میکرد که جنگ داخلی و نیابتی در افغانستان مدت طولانی دوام خواهد داشت از چنین گروه خودجوش جهت نابودی تنظیم های فاسد به هدف تامین ثبات در افغانستان حمایت نمود و سازمان استخباراتی پاکستان جهت تقویت چهره مذهبی و افراطی طالبان که تامین کنند منافع این کشور پنداشته میشد ده ها هزار از طلاب مدارس دینی مقیم خیبرپختونخوا را با آنها همراه و یکجا ساخت.

جمهوری اسلامی پاکستان که بعد از اضمحلال اتحاد شوروی به علت ناهماهنگی سیاست هایش با ایالات متحده امریکا متقبل خسارات بزرگ شده بود این بار پالیسی های خود را با منافع امریکا مطابقت داده و به جای استفاده از حربہ اسلام جهت بی ثبات سازی ممالک اسیا میانه سعی در برقراری روابط اقتصادی و تجاری با این ممالک شد بخصوص زمانی که ایالات متحده امریکا جهت تضعیف وابسته گی جمهورییت های اسیا میانه به پایپ لین های روسیه علاقمند تاسیس و تمدید پایپ لین جدید نفت و گاز از اسیا میانه به پاکستان و سایر نقاط جهان از طریق بندر کراچی گردید در چنین اوضاع و احوال تبدیلی افغانستان به کشور ترانزیت و خط اتصال بین پاکستان و جمهورییت های اسیا میانه ضروری و مهم گردید و بعد از آنکه در سال ۱۹۹۴ طالبان توانستند کاروان بزرگ از مال التجاره پاکستان را از سپین بولدک کندهار تا اسیا میانه بدون غارت و چپاول تنظیم های جهادی تامین امنیت نمایند اهمیت و اعتبار این گروه در داخل و خارج تزیید یافته و پلان ترانزیت سازی افغانستان که مرتبط به تامین امنیت سرتاسری بود در سپتمبر ۱۹۹۶ با تصرف کابل توسط طالبان قابل تحقق و عملی به نظر رسید.

ادامه دارد...